

## افزایش درآمد نفت و بانکها

دکتر محمدباقر صدیقی

آسیای جنوب شرقی به وضوح می‌توان دید که کشورهای چینی چون مالزی، سنگاپور، تایوان، تایلند، کره جنوبی و... گرچه روند توسعه را از دهه ۱۹۶۰ آغاز کرده‌اند، ولی پس از پیوستن به انقلاب IT در دهه هشتاد رشد خود را شتاب بخشیدند.

IT در حوزه بانکداری نیز نقش مؤثری داشته است. با وجود این فن‌آوری جریان سیال پول و سرمایه خود را جهانی کرده است. از برکت این دوره هر گونه تغییرات کوچک در معاملات و بانک‌ها، بلافاصله به اطلاع همگان می‌رسد. داد و ستد تسهیل و فروشگاه‌های مجازی دایر می‌شود و بانکداری الکترونیک این سرعت و سهولت را صدچندان کرده است. گرچه متأسفانه هنوز قانون تجارت ایران که مصوبه سال ۱۳۱۱ است به قوت خود باقی است و مجموعه پیشنهادهای وزارت بازرگانی از سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی مانده و هنوز به تصویب



جهان لحظه به لحظه در حال تحول و دگرگونی است. کره خاکی پس از انقلاب صنعتی و تحولات قرن‌های گذشته به ویژه قرون هیجدهم و نوزدهم سه دوره مهم و تاثیرگذار را پیموده و به این مرحله که آن را دهکده جهانی و یا «گوی بلورین» می‌نامند، رسیده است.

با قدرت گیری آلمان نازی و فروپاشی بازار سهام آمریکا در سال ۱۹۲۹ و دگرگونی‌ها در ژاپن، چین و... دوره جدیدی آغاز شد و تجاوز آلمان نازی به لهستان و اتریش آتش جنگ جهانی دوم را در سال ۱۹۳۹ شعله‌ور ساخت.

کشور ما با وجود بیطرفی در دو جنگ، در هر دو جنگ مورد تجاوز قرار گرفت و بیطرفی آن نقض شد، در این میان کشور سوئیس که در جنگ بیطرف بود، ضمن نقل و انتقال پول برای کشورها توانست با حفظ بیطرفی به بازرگانی جهانی به ویژه در جذب

نرسیده است.

در این تحولات سه دوره‌ای نفت به عنوان عامل انرژی موجب شد که تحولات در هر سه دوره از آن عامل متاثر شوند. نقش دولت‌های ایران در هر سه دوره انکارناپذیر است. آنچه در جهان بر سر نفت آمده، این است که نظام سلطه تسلط خود را به انرژی حفظ کرده است (ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ و کودتای سال ۱۳۳۲ که نفت ملی شده را به کنسرسیون واگذار کرد، ولی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مجدداً آن را به ملت ایران بازگرداند) حاصل پیشرفت دوره سوم که به چین و هندوستان و برزیل کشیده شد، رشد نیاز به انرژی است. به طوری که میزان آن از شوک نفتی دهه هفتاد بین حدود ۶۰ میلیون بشکه روز به ۸۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۷ رسید که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ به ۱۳۰ میلیون بشکه در روز برسد.

نفت موتور محرکه توسعه کشورها از یک سو و موتور نظام سلطه از سوی دیگر است. با وجود افزایش بهای هر بشکه نفت تا ۱۳۵ دلار هنوز ثروت‌های کلان در اختیار شرکت‌های نفتی جهان قرار دارد که از هر بشکه ۱۳۵ دلاری تا ۳۰۰۰ دلار ارزش افزوده به دست می‌آورند و این غیر از مالیاتی است که از فروش نفت کسب می‌کنند. نگاهی به توسعه کشورهای نفت خیز عضو اوپک نشان می‌دهد که این کشورها به جز چند کشور کوچک (قطر، بحرین و امارات) هنوز در فرآیند توسعه گیر افتاده‌اند. اقتصاددانان ضمن بررسی علل این مسئله که چرا کشورهای نفت خیز به جرگه توسعه یافته‌ها نپیوسته‌اند به نکاتی اشاره کرده‌اند: اول اینکه نظام قیمت‌ها با وجود سازمان اوپک در اختیار تولیدکنندگان

مواد غذایی و وارداتی از طریق بانک‌های خود بپردازد. نقش بانکها در هر دو جنگ موجب شد که در کنفرانس برتون وودز ساز و کارهایی برای پول (چاپ و نشر و انتقال) فراهم شود و در نتیجه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول - هر دو وابسته به سازمان ملل متحد - پی‌ریزی شوند.

دوره بعدی که دوره سوم است، به عصر انفجار اطلاعات، ترسیم فن‌آوری اطلاعات (IT) و دهکده جهانی شهره یافت که مهمترین اتفاق در حوزه ارتباطات جهانی از همه مهمتر، زندگی انسان‌هاست. حاصل این دوره که از دهه ۱۹۸۰ به بعد آغاز شد، تسهیل اطلاعات، دسترسی به اینترنت و دستیابی جهانی به IT است. در این دوره نیز سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با IT و سازمان تجارت جهانی (WTO) به وجود آمد. بسیاری از اندیشمندان اقتصاد از جمله دکتر ماهاتیر محمد نخست وزیر سابق مالزی اعتقاد دارند که اهمیت دوره سوم از دوره‌های سابق حتی از انقلاب صنعتی بیشتر است، مالزی با اعتقاد به این مسئله توانست از دایره توسعه نیافتگی به حلقه توسعه یافته‌ها بپیوندد. ماهاتیر محمد به صراحت می‌گوید که کشورهای مسلمان از تحولات انقلاب صنعتی طی جنگ‌های جهانی اول و دوم آسیب‌ها دیده و عده بسیاری از آنها پس از انقلاب صنعتی مستعمره شدند، ولی اکنون فرصت دارند با توسل به فن‌آوری اطلاعات کشور خود را در فرآیند توسعه و پیشرفت قرار دهند. چون بخش اعظم فن‌آوری اطلاعات از طریق اینترنت قابل دسترسی است، می‌توان با همکاری کشورها به پیشرفت و توسعه دست یافت (مالزی و سنگاپور هر دو البته با تأخیر با یاری ژاپن و برخی دیگر به فرآیند توسعه پیوستند). در بررسی فرآیند توسعه

نیست و دوم اینکه نظام سلطه با فرآوری نفت خام به ارزش افزوده کلان دست می‌یابد. سوم اینکه افزایش بهای نفت خام علاوه بر ایجاد نقدینگی و تورم داخلی در واردات کالا بخشی از تورم جهانی را نیز تحمیل می‌کند. لذا باید در مواجهه با افزایش بهای نفت به تدبیر آینده‌نگری روی آورد و با تلقی نفت به عنوان ثروت ملی نیازهای واقعی خود را بر اساس ظرفیت اقتصاد ملی تامین و بقیه را ذخیره کرد. در این مورد نیز سه نظریه بیان می‌شود: اول اینکه از درآمد نفت برای بهسازی چاه‌ها و استخراج و اکتشاف نفت هزینه شود. دوم اینکه این درآمدها را موقت تلقی کرده و به اندازه و مقدار هماهنگ با نیازهای توسعه‌ای کشور بهره‌جست و بقیه را با ذخیره و یا در حوزه‌های سودده سرمایه‌گذاری کرد. با توجه به کاهش ارزش دلار، در صورت امکان سرمایه‌گذاری بی‌خطر و با ریسک پایین موثرتر است.

سوم اینکه بین تولیدکنندگان و خریداران، برای مثال اعضای اوپک و شرکت‌های نفتی در مورد قیمت به تفاهم رسید. امری که نظام سلطه از آن چندان خشنود نیست، به ویژه اینکه افزایش بهای نفت هم اکنون از معیار علمی برخوردار نیست. بخشی از این افزایش به بورس بازی مرتبط است.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، شرکت‌های بزرگ نفتی به سرعت خود را به منطقه خزر و آسیای میانه کشاندند و ضمن قراردادهایی با کشورهای منطقه جای پای خود را محکم کردند. متأسفانه تهاجم آمریکا به افغانستان و عراق که در حقیقت برای نفت بود، با بهانه دیگری از جمله مبارزه با تروریسم شدت بیشتری گرفته است.

در این میان کشور ما باید با شناخت اهداف نظام سلطه با هوشیاری فزاینده، تحولات منطقه را بررسی کند، افزایش بهای نفت را هم فرصت و هم تهدید تلقی کند و در هزینه کردن درآمدهای آن بسیار محتاط باشد. درآمدهای نفتی تیغ دولبه است که باید سعی کرد لبه آن را با توجه به ظرفیت اقتصاد ملی کند کرد و با کمک بانک‌ها و با انجام اصلاحات ساختاری آنها که رئیس‌جمهور کشورمان ماه‌ها قبل دستور داده‌اند بانک‌ها را هوشیارانه در خدمت توسعه پایدار قرار داد و با توجه به جهش نقدینگی تا ۱۶۰ هزار میلیارد تومان در دو سال و نیم گذشته (۸۴ تا ۸۶) جمع‌آوری مدبرانه آن را هدف قرار داد. بانک‌ها باید نقش سد مقابل نقدینگی را داشته باشند. حال که در پشت دیوار سد، نقدینگی انباشته شده است، آن را با تدابیر مناسبی به سمت تولید هدایت و از ایجاد نقدینگی بیشتر جلوگیری کنند. در این میان ظرفیت‌سازی در استان‌ها با توجه به قانون برنامه چهارم توسعه باید به گونه‌ای باشد که استان‌های کمتر توسعه یافته با استان‌های توسعه یافته در یک مرحله زمانی تلاقی کنند. برنامه پنجم توسعه باید با این دید تنظیم شود. در این میان بانک مرکزی سیاست‌گذاری پول را برعهده دارد ولی سیاست‌گذاری مالی مربوط به دولت و وزرای ذی‌ربط است که ضرورت دارد بین هر دو سیاست‌گذاری هماهنگی به وجود آید. به نظر می‌رسد که مجمع عمومی بانک‌ها باید در سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی نیز نقش داشته باشد. در واقع بانک‌ها موتور توسعه محسوب می‌شوند، باید در تصویب طرح‌ها ضمن توجه به توصیه کار

گروه استان‌ها خود نیز واکاوی کنند. تجربه صاحب قلم در استمهال وام‌های معوقه مشخص می‌کند که کمیته سه نفره، رئیس صنایع و معادن، رئیس کار و معاون برنامه‌ریزی استانداری در تایید درخواستها به سرعت عمل می‌کنند و از بررسی عمیق طرح‌ها باز می‌مانند. این وظیفه به عهده هیات‌مدیره و مدیرعامل بانک‌ها است. دادن مسئولیت به استان‌ها بسیار کند است، ولی باید توجه کرد که وضع پرونده درخواست‌کننده اعتبار و بررسی عمیق آن از عهده استان‌ها خارج است. همانگونه که بدون نظردهی استان‌ها بانک‌ها نمی‌توانند خود بررسی کنند علاوه بر آن مسائل مربوط به نقدینگی و تاثیر آن در تورم و یا مسائل مربوط به ظرفیت‌های آزاد و حتی طرح‌های زودبازده و هماهنگی آنها با سیاست‌گذاری‌های کلان ملی حداقل از عهده کار گروه‌ها خارج است. در این میان اعتبارسنجی اعتبار گیرندگان و از همه مهمتر نگاه به علل وانگیزه طرح‌های جدید و ناکامی طرح‌های گذشته مسائلی هستند که علاوه بر دانش و آگاهی اطلاعات مربوط به سیاست‌گذاری‌ها را ضروری می‌سازد. در این میان بانک مرکزی سیاستگذار پول کشور است، ولی بانک‌ها و منابع آنها که با حضور وزرای دولت تشکیل می‌شود، از سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی و... مطلع هستند. لذا حضور بانک‌ها در بررسی وضعیت اعتبار گیرندگان بسیار مهم است. در سال‌های گذشته سالیانه ۷۰ میلیارد تومان (۴۵-۵۰ میلیارد تومان واردات و ۲۰-۱۶ میلیارد تومان صادرات) واردات و صادرات داشته‌ایم. مدیریت این ارقام کلان و در کنار سایر اقدامات مالی در شرایطی که نظام سلطه بانک‌ها را هدف قرار داده است، نیازمند تدبیر و درایت است. بانک‌ها با همه فشارهای جهانی در تعامل با جهان و مدیریت منابع کشور تاحدی موفق بوده‌اند که بانک صادرات یکی از این نمونه‌هاست.

جهش نقدینگی دوسال و نیم گذشته ناشی از سیاست‌های انبساطی ولی گرایش بخشی از این نقدینگی به سوی اهداف غیرمندرج در طرح‌ها ناشی از عدم نظارت دقیق بانک‌ها و مؤسسات معرفی‌کننده است. لذا پیشنهاد می‌شود رئیس‌جمهور محترم حداقل ماهی یک‌بار علاوه بر بانک مرکزی، با مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی جلسه داشته باشد تا هم ایشان از عملکردها و برنامه‌ها مطلع شوند و هم روسای بانک‌ها از نظریات رئیس‌جمهور آگاه شوند. کارکنان بانک‌ها از پرکارترین کارکنان به ویژه کارکنان دولت بوده‌اند. از این رو با هدایت و آگاهی می‌توانند بانک‌ها را در فرآیند توسعه موفق گردانند. در این میان توصیه می‌شود که کارکنان و مدیران بانک‌ها در سطوح مختلف با توجه به تحولات جهانی در حوزه پول و امور مالی و به طور کلی بانک‌ها با آخرین رویدادها و شیوه‌ها و عملکرد آشنا شوند.

در آخر مقاله با توجه به بانک‌های استان، سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط فعال بوده و عملکرد موفقی داشته‌اند. لذا پیشنهاد تاسیس بانک‌های تخصصی استانی با حضور بانک‌های تخصصی و بخش خصوصی را دارم. در مقطع فعلی توجه به استان‌ها وجود یک مرکز برای تصمیم‌گیری‌های سریع و علمی را ضروری می‌نماید.

